

فصلنامه علمی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره هفتاد و یکم، زمستان ۱۴۰۲: ۱۰۱-۸۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۳

نوع مقاله: پژوهشی

تحلیل نشانه‌های فراگفتمانی در آثار کودک و نوجوان «هوشنگ مرادی کرمانی» در بازه زمانی ۱۳۵۰-۱۴۰۰ بر اساس انگاره هایلند (۲۰۰۵)

* ساناز دقت

** محمدحسین شرفزاده

*** لیلا صابری

**** زهرا رستگار حقیقی شیرازی

چکیده

فراگفتمان، نگرشی جدید در تحلیل کلام است که در بردارنده مشخصه‌های انسجामी و بینافردي است و به ایجاد ارتباط میان متن و بافت حاوی این اطلاعات با هدف برقراری ارتباط با مخاطب، سامان‌دهی متن و تفسیر آن از سوی مخاطب کمک می‌کند. به‌رغم اهمیت بررسی عناصر فراگفتمان به صورت تاریخی، متأسفانه تحقیقات اندکی وجود دارد که این عناصر را به صورت تاریخی به‌ویژه در ژانر ادبی تحلیل کرده باشد. از این‌رو هدف پژوهش حاضر، بررسی ترازمانی کاربرد نشانگرهای فراگفتمان تعاملی و تقابلی در آثار کودک و نوجوان هوشنگ مرادی کرمانی، نویسنده صاحب‌نام این حوزه، در بازه زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۴۰۰ بر اساس انگاره هایلند (۲۰۰۵) است. بدین منظور، بازه زمانی موردنظر را به پنج دهه

* دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران
sanazdeghat@ymail.com

** نویسنده مسئول: استادیار گروه زبان‌شناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران
h.sharafzadeh@gmail.com

*** استادیار گروه زبان انگلیسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران
saberis500@yahoo.com

**** استادیار گروه زبان انگلیسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران
zrastegar@gmail.com



تقسیم‌بندی کردیم و توزیع نشانگرهای فراگفتمان را به روش دستی و با استفاده از نرم‌افزار واژه‌نگار انت کانک شناسایی و استخراج کردیم. تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک آزمون آماری کندال نشان داده است که با گذشت زمان، عناصر فراگفتمان تعاملی افزایش یافته، در حالی که عناصر فراگفتمان تقابلی کاهش یافته‌اند. این امر گویای این حقیقت است که برای بیان نگرش، نظرها و تعهد خود نسبت به متون و همچنین درگیرسازی بیشتر مخاطبان در متن، داستان‌نویسان در گذر زمان بیشتر از نشانگرهای تعاملی استفاده می‌کنند و در نتیجه آن، متون ادبی به سمت وسوی شخصی‌تر شدن و خواننده‌پسندتر شدن در حرکت است.

واژه‌های کلیدی: فراگفتمان، فراگفتمان تعاملی، فراگفتمان تقابلی، هوشنگ مرادی کرمانی و ژانر ادبی.



مقدمه

همان‌طور که می‌دانیم، تعلیم و تربیت یکی از بنیادهای زندگی اجتماعی انسان است که همواره در زندگی بشر مؤثر واقع شده است. انسان، موجودی در حال تکامل و متأثر از محیط است و برای تربیت و آموزش وی، روش‌های بسیاری وجود دارد.

ادبیات کودک و نوجوانان از جمله روش‌های آموزش غیر مستقیم انسان است. تأثیر ادبیات بر روح و فکر کودکان و نوجوانان به حدی است که بسیاری از کارشناسان تعلیم و تربیت، ادبیات را بی‌رقیب‌ترین رسانه فرهنگی دانسته‌اند. ادبیات با ایجاد فضاهای مختلف برای کودکان و نوجوانان باعث تقویت قوه تخیل و رشد و خلاقیت در آنها می‌شود (آقاباری، ۱۳۷۳: ۲۳).

ادبیات کودک و نوجوان همچنین می‌تواند با در نظر گرفتن حس کنجکاوی و نیازهای عاطفی و تخیلی مخاطب، به خلق آثاری منجر شود که علاوه بر ارضای حس یافتن در مخاطب، جنبه شادی، هنری، سرگرمی و تفریحی را در کنار آموزش غیر مستقیم برخی مفاهیم پایه مدنظر قرار دهد و با زبانی ساده و بیانی ادبی، شیوا و هنرمندانه با در نظر گرفتن جنبه‌های روان‌شناختی به رشد و تعالی فکری و رفتاری کودک و نوجوان یاری رساند (ر.ک: مرآتی، ۱۳۸۹).

همچنین ادبیات کودکان از نظر مخاطبان، شرایط و توانایی آنان، اثرگذاری و عمق و کاربرد آن با ادبیات بزرگسالان، تفاوت بسیاری دارد. الزام است که آفریننده ادبیات کودک قبل از هر چیز، مخاطب خود را از لحاظ روحی و روانی و نیازهای عاطفی خوب بشناسد و سعی کند در آنچه می‌نویسد، وارد دنیای طبیعی آنان گردد و همچون دوستی صمیمی با آنان ارتباط برقرار کند. نویسنده اگر بخواهد بر کودک تأثیر بگذارد، باید بداند که عواطف لطیف و رقت احساسات در کودکان و نوجوانان، باعث تأثیرپذیری بسیار عمیق در آنان است (آقاباری، ۱۳۷۵: ۲۲-۲۳).

با توجه به اهمیت ادبیات کودک و نوجوان در رشد فکری و رفتاری آنها و همچنین اهمیت برقراری ارتباط صمیمی نویسندگان این حوزه با مخاطبان کم‌سن‌وسال خود برای درک بهتر آنها از نگرش نویسنده، تحقیق در حوزه ادبیات کودک و نوجوان و همچنین ایجاد و تحکیم ارتباط بین نویسنده و خواننده، اهمیت ویژه‌ای دارد.

یکی از ویژگی‌های بلاغی‌ای که به نویسندگان یاری می‌رساند تا از طریق برقراری ارتباط مؤثر با مخاطب، ایده‌های خود را بهتر انتقال دهند و خوانندگان خود را درگیر نمایند، فراگفتمان است که در سال‌های اخیر، توجه زیادی را به خود جلب کرده است. فراگفتمان، «منابع زبانی هستند که برای سازمان‌دهی یک گفتمان و یا سازمان‌دهی موضع نویسنده نسبت به محتوای گفتمان یا مخاطب به کار گرفته می‌شوند» (Hyland & Tse, 2004: 157). مدل فراگفتمان هایلند^۱ که کامل‌ترین دسته‌بندی از عناصر فراگفتمانی را ارائه می‌دهد، بین دو عنصر فراگفتمان تعاملی و تقابلی، تمایز قائل می‌شود. اولی به شیوه ابراز اطمینان نویسندگان از صحت یک گزاره و همچنین ابزاری برای برقراری ارتباط مؤثر با مخاطب مربوط می‌شود و مورد دوم به روش‌های سازمان‌دهی گفتمان برای ایجاد حدود و مرز در متن و راهنمایی خوانندگان به سمت تفاسیر ترجیحی نویسنده مرتبط است (ر.ک: Hyland, 2005).

در سال‌های اخیر، تعداد محدودی از مطالعات بر تغییرات تاریخی در به‌کارگیری عناصر فراگفتمان در متون تمرکز داشته‌اند، مانند دنگ^۲ و همکاران (۲۰۲۱)، گیلرتس^۳ و ون دو ولده^۴ (۲۰۱۰) و هایلند و جیانگ^۵ (۲۰۱۶ و ۲۰۱۸) که نشان می‌دهد ویژگی‌های فراگفتمانی ایستا نبوده، مستعد تغییر در طول زمان هستند. مطالعات تاریخی عناصر فراگفتمانی، بینش‌های ارزشمندی را درباره اینکه چگونه اصول شیوه‌های گفتمانی در پاسخ به تغییرات اجتماعی فرهنگی وسیع‌تر در جامعه در طول زمان تغییر می‌کنند، ارائه می‌کند (ر.ک: Hyland, 2004). از این‌رو بررسی این عناصر از نظر تاریخی حایز اهمیت است و فقدان بررسی آن موجب می‌شود تا نویسندگان در سازگار کردن شیوه گفتمانی خود با تغییرات فرهنگی اجتماعی جامعه در بمانند و نتوانند برای انتقال ایده‌های خود و تعامل بیشتر با خوانندگان زمان خود از شیوه‌های بلاغی مناسب بهره گیرند.

علی‌رغم اهمیت مطالعه تاریخی عناصر فراگفتمان در متون، متأسفانه تحقیقات انجام‌شده در این زمینه کمیاب و تاحد زیادی مربوط به بررسی گفتمان علمی می‌شود

-
1. Hyland's Model
 2. Yiping Deng
 3. Paul Gillaerts
 4. Freek Van de Velde
 5. Feng (Kevin) Jiang

که از این میان به تعدادی از مهم‌ترین پژوهش‌های تاریخی اشاره می‌شود. هایلند و جیانگ (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی تاریخی نشانگرهای فراگفتمان تقابلی و تعاملی طی پنجاه سال در مجله‌های برتر چهار رشته پرداخته‌اند و به این نتیجه دست یافتند که افزایش چشمگیری در فراوانی فراگفتمان تقابلی و کاهش قابل ملاحظه‌ای در توزیع فراوانی فراگفتمان تعاملی در طول این بازه زمانی پنجاه‌ساله در مجله‌ها وجود داشته است. نشانگرهای فراگفتمان تقابلی به دنبال سازمان‌دهی و تعیین حد و حدود برای متن هستند تا اطمینان حاصل شود که خوانندگان، تفاسیر و اهداف نویسنده را در گفتمان علمی راحت‌تر بازیابی و درک می‌کنند و نویسندگان متون علمی با استفاده از این نشانگرها به دنبال راهنمایی مخاطبان خود هستند.

رضایی کرامتی و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در سه مجله برجسته زبان‌شناسی کاربردی می‌پردازند. برای واکاوی تکامل تاریخی نشانگرهای نگرش‌نما و درگیرساز، زیرشاخه‌های فراگفتمان تعاملی در بخش‌های مختلف مقاله‌های پژوهشی (مقدمه، روش پژوهش، بحث و نتیجه‌گیری)، مدل فراگفتمان هایلند (۲۰۰۵) به کار گرفته شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که کاهش قابل توجهی در فراوانی نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در تمام بخش‌های مقالات وجود دارد. این کاهش به طور کلی مربوط به کاهش نشانگرهای نگرش‌نما در بخش نتیجه و روش پژوهش است. همان‌طور که پیشتر بیان شد، پیکره به‌کاررفته در این پژوهش به بررسی متون علمی (مقالات پژوهشی) می‌پردازد و شامل ژانر ادبی و داستان نمی‌شود.

باقری (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای به بررسی تکامل تاریخی نشانگرهای فراگفتمان تعاملی و تقابلی در رساله دکترای رشته‌های علوم سخت و علوم نرم در سه بازه زمانی ۱۹۶۶، ۱۹۸۶ و ۲۰۱۶ بر اساس انگاره هایلند (۲۰۰۵) می‌پردازد و به این نتیجه دست می‌یابد که فراگفتمان تعاملی (نگرش‌نما و درگیرساز) در رشته‌های علوم نرم، کاهش و در علوم سخت افزایش داشته است. این امر بیانگر آن است که در علوم نرم، نوشتار دانشگاهی به سمت خنثی شدن، بی‌طرفی و مسئولیت‌پذیری بیشتر نسبت به مخاطب یعنی مخاطب‌محوری بیشتر و متقاعدکنندگی کمتر و در علوم سخت گفتمان علمی به سمت متقاعدکنندگی بیشتر و خواننده‌پسندتر شدن پیش می‌رود. این پژوهش نیز به بررسی گفتمان علمی (پایان‌نامه مقطع دکترا) می‌پردازد و شامل ژانر ادبی و داستان نمی‌شود.

لیو و یانگ (۲۰۲۱) در پژوهشی بر اساس مدل بینافردی هایلند، به بررسی فراگفتمان تعاملی و تقابلی در ۲۴۰ مقاله پژوهشی در علوم سخت (رشته مهندسی مکانیک و فیزیک) و علوم نرم (رشته آموزش و تاریخ) در بازه زمانی شصت‌ساله می‌پردازند و به این نتیجه دست می‌یابند که نشانگرهای فراگفتمان با مرور زمان به طور کلی روند کاهشی را نشان داده‌اند. این امر با افزایش قابل ملاحظه نشانگرهای تقابلی و کاهش قابل توجه نشانگرهای تعاملی همراه بوده است که بیانگر این حقیقت است که نویسندگان در متون علمی با گذشت زمان، تمایل به استفاده بیشتر از فراگفتمان تقابلی و استفاده کمتر از فراگفتمان تعاملی به منظور نوشتن متونی واضح‌تر و قانع‌کننده‌تر و اتخاذ رویکردی عینی‌تر و علمی‌تر دارند. این تحقیق همانند پژوهش‌های گذشته به واکاوی مقاله‌های پژوهشی و متون علمی مربوط می‌شود.

از این رو نتایج پژوهش‌های یادشده نشان‌دهنده شکاف موجود در متون در راستای تحلیل فراگفتمان تاریخی در ژانر ادبی به‌ویژه ادبیات کودک و نوجوان است و ضرورت انجام مطالعات بیشتری را در این زمینه نشان می‌دهد. بنابراین برای پر کردن شکاف موجود، پژوهش حاضر سعی دارد تا با نگاهی ترازمانی، کتاب‌های داستان نوشته‌شده برای کودکان و نوجوانان را در آثار پنجاه سال اخیر (۱۳۵۰-۱۴۰۰) یکی از نویسندگان برجسته این حوزه، یعنی هوشنگ مرادی کرمانی، بر اساس الگوی نظری هایلند (۲۰۰۵) بررسی کند و بدین وسیله به این پرسش پژوهش پاسخ دهد که توزیع فراوانی نشانگرهای فراگفتمان تعاملی و تقابلی و حیطه‌های مربوط به آنها در داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی در بازه زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۴۰۰ چگونه خواهد بود.

واژه فراگفتمان را نخستین بار هریس^۱ (۱۹۵۹) مطرح کرد که به تلاش‌های نویسنده یا گوینده برای درک مخاطبان از متن گفتار مربوط می‌شود. فراگفتمان به عنوان ابزار مهمی برای سهولت ارتباط، حمایت جایگاه نویسنده و ایجاد ارتباط با مخاطب به کار می‌رود (ر.ک: Hyland, 2015). برای واکاوی عناصر فراگفتمانی در پیکره مورد بررسی در این پژوهش از انگاره هایلند (۲۰۰۵) استفاده شده است، به این دلیل که طبقه‌بندی او، جدید، واضح و کامل است (ر.ک: Abdi & et al, 2010). همان‌طور که در جدول (۱)

مشخص است، این انگاره دارای دو بعد تقابلی و تعاملی است.

جدول ۱- زیرشاخه‌های فراگفتمان تعاملی و تقابلی

فراگفتمان	
تقابلی	تعاملی
ابهام‌زداها	نگرش‌نماها
ارجاع‌های درون‌متنی	تردیدنماها
چارچوب‌سازها	یقین‌نماها
گواه‌نماها	درگیرسازها
گذارها	خوداظهارها

نشانه‌های فراگفتمان تقابلی برای سازمان‌دهی اطلاعات موجود در متن و راهنمایی خواننده در سراسر متن به کار گرفته می‌شود. از سوی دیگر، نشانه‌های فراگفتمان تعاملی به منظور تعامل با خواننده و درگیر نمودن او در متن استفاده می‌شود (ر.ک: Hyland, 2005). هر یک از زیرشاخه‌های نشانه‌های فراگفتمان تعاملی و تقابلی که در جدول (۲) به اختصار نمایش داده شده‌اند، عملکرد مخصوص به خود دارند.

جدول ۲- انگاره هایلند (۲۰۰۵)

انواع فراگفتمان	دسته‌بندی	کارکرد	مثال
فراگفتمان تعاملی ^۲	نگرش‌نماها ^۱	نگرش نویسنده نسبت به متن	موافقم، خیلی مهم، با تعجب
سازمان‌دهی اطلاعات گزاره‌ای	خوداظهارها ^۳	ارجاع به حضور آشکار نویسنده	نویسنده، من، ما، پژوهشگر
و راهنمایی خواننده در متن	درگیرسازها ^۴	مخاطب قرار دادن مخاطب به طور واضح	شما، توجه کنید، فرض کنید

1. Attitude Markers
2. Interactional Metadiscourse
3. Self-mentions
4. Engagement Markers

بی تردید، قطعاً، واضح	نشان دهنده میزان قطعیت گوینده نسبت به پاره گفت	یقین نماها ^۱	فراگفتمان تقابلی ^۴ برقراری ارتباط مؤثر با مخاطب
شاید، تقریباً، احتمالاً	نشان دهنده شک و تردید نویسنده نسبت به پاره گفت	تردیدنما ^۲	
اما، به علاوه، بنابراین	ارتباط دادن جمله‌های متن	گذارها ^۳	
اول، دوم، در نتیجه	تعیین مرزهای متن و فراهم کننده چارچوب عناصر	چارچوب سازها ^۵	
در بخش بعد، در ذیل	ارجاع دادن خواننده به بخش‌های دیگر متن	ارجاع‌های درون‌متنی ^۶	
به گفته، مطابق، به قول	اشاره به اطلاعات ارائه شده در متون دیگر و ارجاع‌دهی	گواه‌نماها ^۷	
اول، دوم، در نتیجه	ارائه توضیح بیشتری درباره معنی	ابهام‌زداها ^۸	

روش انجام پژوهش

روش انجام این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است که به بررسی نشانگرهای فراگفتمان تعاملی و تقابلی در ژانر ادبی می‌پردازد. بدین ترتیب که نمونه‌گیری به صورت هدفمند روی کلیه آثار مرادی کرمانی در قالب مجموعه داستان و رمان در پنجاه سال اخیر که در زمینه ادبیات کودک و نوجوان به چاپ رسیده، انجام شده است. در این مطالعه، هجده کتاب تألیفی (هشت مجموعه داستان و ده رمان) در گروه‌های سنی «ج» تا «ه» را که در فاصله زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۴۰۰ انتشارات معین، پروین، سحاب، بامداد، جوانه، نی و دفتر

1. Boosters
2. Hedges
3. Transitions
4. Interactive Metadiscourse
5. Frame Markers
6. Endophoric Markers
7. Evidentials
8. Code glosses

کتابخانه ملی به عنوان آثار ویژه مرادی کرمانی معرفی کرده، در نظر گرفته شده است. هوشنگ مرادی کرمانی، مطرح‌ترین نویسنده ایرانی برای رده‌های سنی نوجوان و شناخته‌شده‌ترین چهره ادبیات کودک و نوجوان ایران در جهان است که «برخی از آثارش به زبان‌های آلمانی، انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی، هلندی، عربی و ارمنی ترجمه شده و همچنین چند فیلم تلویزیونی و سینمایی بر اساس داستان‌های او ساخته شده است. آثار ترجمه‌شده وی، جوایزی را از مؤسسات فرهنگی و هنری خارج از کشور به دست آورده است. از جمله جایزه دفتر بین‌المللی کتاب‌های نسل جوان و جایزه جهانی هانس کریستین آندرسون» (عموزاده خلیلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۳۲۰). تیراژ بالای آثار وی و جوایز و عناوینی که به خاطر این آثار کسب نموده، گواه بر تبحر این نویسنده محبوب در این عرصه است. همچنین وی دارای پنجاه سال سابقه در زمینه نویسندگی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان است. از این رو آثار وی به عنوان پیکره در این پژوهش تاریخی انتخاب شده است.

در واقع آثار مرادی کرمانی در قالب فیلم‌نامه، نمایشنامه، زندگی‌نامه، پیام ادبی و مجموعه آثاری که مخاطب سنی خاصی ندارد، در این مطالعه در نظر گرفته نشده است. از این رو بر اساس معیارهای خروج از پژوهش، شش مجموعه داستان و نه رمان از میان هجده کتاب تألیفی انتخاب شد که جمعاً شامل ۴۶۰۱۵۷ واژه می‌شود.

جدول ۳- کل پیکره مورد بررسی در پژوهش (آثار مرادی کرمانی)

تعداد کلمات	رمان	مجموعه داستان	دهه
۱۷۴۳۶۸		قصه‌های مجید (۱۳۵۸) بچه‌های قالبیاف‌خانه (۱۳۵۹)	دهه ۵۰ (۱۳۵۹-۱۳۵۰)
۴۷۰۱۹	نخل (۱۳۶۱) خمره (۱۳۶۸)		دهه ۶۰ (۱۳۶۹-۱۳۶۰)

۱۰۷۲۹۲	مشت بر پوست (۱۳۷۱) مهمان مامان (۱۳۷۵) مربای شیرین (۱۳۷۷)	لبخند انار (۱۳۷۸) تنور (۱۳۷۳)	دهه ۷۰ (۱۳۷۰-۱۳۷۹)
۸۴۳۸۱	مثل ماه شب ۱۴ (۱۳۸۲) نه تر نه خشک (۱۳۸۲) نازبالش (۱۳۸۸)	پلوخورش (۱۳۸۶)	دهه ۸۰ (۱۳۸۰-۱۳۸۹)
۴۷۰۹۷	آبانبار (۱۳۹۱)	قاشق چایخوری (۱۳۹۸)	دهه ۹۰ (۱۳۹۰-۱۳۹۹)

پس از آماده‌سازی پیکره، کلیه مجموعه داستان‌ها و رمان‌های منتخب بر اساس انگاره هایلند (۲۰۰۵) در ده زیرطبقه مربوط به فراگفتمان تعاملی و تقابلی تحت بررسی قرار گرفت. برای استفاده از این مدل، واژه‌ها و عباراتی که هایلند (۲۰۰۵) در ضمیمه کتاب خود معرفی کرده است، ملاک قرار گرفت و سپس با استفاده از فرهنگ هزاره حق‌شناس، معادل فارسی برای هر یک از عناصر زبانی نشانگرهای فراگفتمان تهیه و سنجش داده‌ها بر اساس آن فهرست انجام شد.

همچنین برای بررسی و استخراج نشانگرهای فراگفتمانی تعاملی و تقابلی، طبقه‌بندی آنها و در نهایت محاسبه بسامد رخدادشان در مجموعه داستان‌ها و رمان‌ها از تلفیق بازیابی رایانه‌ای و روش دستی استفاده شده است.

در روش بازیابی رایانه‌ای از نرم‌افزار انت کانک (ر.ک: Anthony, 2011) نسخه ۴.۲.۰ استفاده شده است. از این رو پیکره منتخب به پیکره الکترونیکی تبدیل شد و برای دستیابی به نتایج قابل اطمینان‌تر، تمامی قسمت‌هایی که شامل متن اصلی داستان نمی‌شد، نظیر صفحات مربوط به اطلاعات کتاب، مقدمه، فهرست مطالب و تشکر حذف شد. شایان ذکر است که در مواردی مانند فراگفتمان که به‌شدت وابسته به بافت است، لزوم بررسی دستی پس از مرحله جست‌وجوی رایانه‌ای قطعی است تا پس از تعیین موارد یادشده، از مواردی که فراگفتمان تلقی نمی‌شود، صرف‌نظر گردد. پس از مطالعه و مشخص کردن عناصر فراگفتمان در کل پیکره، برای مقایسه داده‌های جمع‌آوری‌شده و ارتباط آنها در پنج دهه، آزمون آماری غیر پارامتریک کندال به کار برده شد.

برای به حداقل رساندن تأثیر سبک‌های نوشتاری فردی و همچنین تأثیر جنسیت بر پیکره تحت بررسی فقط از آثار یک نویسنده برجسته یعنی هوشنگ مرادی کرمانی به روشی هدفمند در بازه زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۴۰۰ استفاده شد. در قدم بعدی به مقایسه چگونگی به‌کارگیری نشانه‌های فراگفتمان تعاملی و تقابلی در بازه زمانی یادشده پرداختیم که نتایج آن در ذیل به شرح آمده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

همان‌گونه که پیشتر ذکر شد، هدف پژوهش حاضر، بررسی کاربرد نشانگرهای فراگفتمان تعاملی و تقابلی در آثار کودک و نوجوان هوشنگ مرادی کرمانی در بازه زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۴۰۰ بر اساس انگاره هایلند (۲۰۰۵) است. از این‌رو در این بخش برای پاسخ دادن به پرسش پژوهش، اطلاعات آماری به تفکیک ارائه می‌شود.

تحلیل الگوی فراگفتمان تعاملی در طول زمان

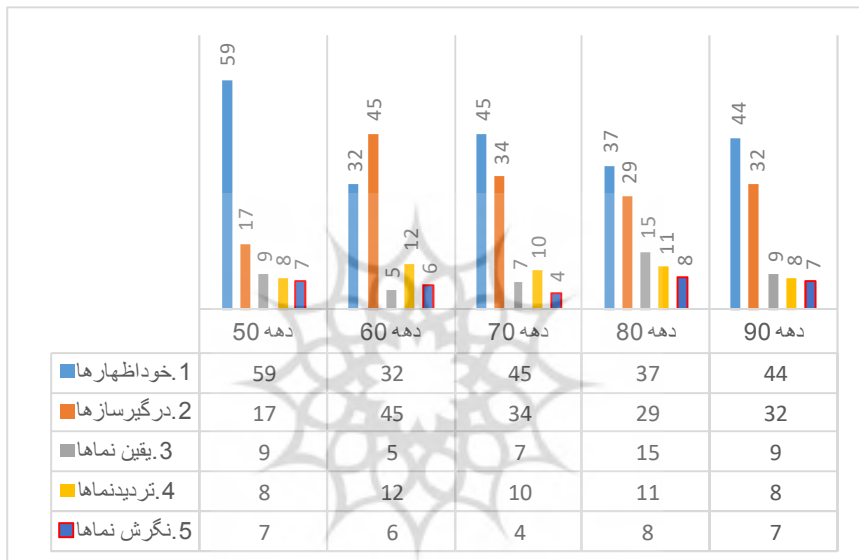
نخست به تعداد کلی نشانه‌های فراگفتمان تعاملی به‌کاررفته در پیکره مورد بررسی در بازه زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۴۰۰ نظری اجمالی می‌اندازیم. پس از مشخص کردن انواع فراگفتمان تعاملی و فراوانی آنها، نتایج در جدول شماره (۴) و به تفکیک زیرشاخه‌های فراگفتمان تعاملی در شکل (۱) نشان داده می‌شود.

جدول ۴- فراوانی و درصد نشانگرهای تعاملی در کل پیکره

دهه	فراوانی نشانگرهای تعاملی در هر دهه	تعداد کل واژه‌ها در هر دهه	درصد نشانگرهای تعاملی در هر دهه
دهه ۵۰	۱۷۲۰۱	۱۷۴۳۶۸	۵۲
دهه ۶۰	۳۱۹۰	۴۷۰۱۹	۵۳
دهه ۷۰	۸۰۵۲	۱۰۷۲۹۲	۵۵
دهه ۸۰	۷۹۰۳	۸۴۳۸۱	۵۷
دهه ۹۰	۴۵۳۸	۴۷۰۹۷	۵۹

همان‌طور که در جدول (۴) مشخص است، میزان استفاده از نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در آثار مرادی کرمانی با گذشت زمان افزایش یافته است. این امر بدین معناست

که تعامل با خواننده نسبت به راهنمایی آنها در مجموعه داستان‌ها بیشتر است. فراگفتمان تعاملی، مداخله آشکار نویسنده را در اظهارنظر و ارزیابی اطلاعات متنی نشان می‌دهد و خواننده را وارد کلام می‌کند. هایلند (۲۰۰۵) با توجه به کاربردهای مختلف فراگفتمان تعاملی آنها را به اجزای کوچک‌تری طبقه‌بندی کرده است که زیرشاخه‌های به‌کاررفته در پیکره حاضر را در شکل (۱) مشاهده می‌کنید.



شکل ۱- نمودار زیرشاخه‌های فراگفتمان تعاملی در بازه زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۴۰۰

بررسی یافته‌ها نشان می‌دهد که در میان انواع نشانگرهای فراگفتمان تعاملی به‌کاررفته در کل پیکره، خوداظهاریها و درگیرسازها در همه دهه‌های مورد بررسی دارای بیشترین درصد فراوانی و نگرش‌نماها دارای کمترین بسامد هستند.

خوداظهاریها به میزان حضور آشکار نویسنده در متن ارجاع می‌دهند و پرسامدترین نشانگر خوداظهاری به‌کاررفته در داستان‌های مورد بررسی مربوط به ضمایر اول شخص «من»، «ما» و «م» است:

همسایه برای دانه‌ای خرما دراز می‌شود» (مرادی کرمانی، ۱۳۹۱: ۴).

«برویم پیش بابات بگویم ما عاشق هم شدیم. حالا چه کار کنیم؟ خوب

گفتی باید از بابام اجازه بگیریم» (همان، ۱۳۸۲: ۱۵).

«ما را بزیند، ما را فلک کنید، ما می‌خواهیم جوان و شلوغ و شاداب شویم.
حق ماست که کتک بخوریم. سال‌ها انتظار چنین روزی را کشیده‌ایم»
(مرادی کرمانی، ۱۳۷۸: ۳۹).

همچنین نویسنده با کاربرد نشانگرهای درگیرساز به طور مستقیم با خواننده به گفت‌وگو می‌پردازد. بیشترین بسامد به‌کاررفته در داستان‌های مرادی کرمانی مربوط به استفاده از فعل‌های امر و ضمائر شخصی مربوط به مخاطب است و نویسنده با به‌کار بردن این نشانگرها، تمایل بیشتری به تأکید بر رابطه خود و مخاطبان دارد. در زیر به نمونه‌هایی از این نشانگرها اشاره شده است.

«بسه بسه دیگه، خفه شو. و چیزی انگار شیشه‌ای تو گلوش شکست،
چشمه‌اش تر شد» (همان، ۱۳۵۹: ۳۳).

«می‌خواهم کمی با تو حرف بزنم. تو را به خدا با من قهر نباش. من هم
مثل تو عزادار هستم» (همان، ۱۳۸۶: ۲۹).

«دم می‌گرفتند و می‌خواندند: موشو تنبکی، تنبکه وردار- بیا جلو کلاس،
وایستا خبردار چندبار با آنها دعوایم شد» (همان، ۱۳۷۱: ۱۳).

«طوطی سر کرد تو اتاق دلنشین بابات، آمده، بیا ببیندت می‌خواهد زود

برود» (همان، ۱۳۹۸: ۱۲).

درباره بسامد کمتر مشاهده‌شده در مورد نگرش‌نماها که به‌نوعی دیدگاه و نگرش نویسنده را درباره یک پدیده بیان می‌کنند، می‌توان اینگونه برداشت کرد که مرادی کرمانی، تمایل کمتری به اظهارنظر درباره نوشته‌های خود دارد و بیشتر ارزیابی را به مخاطبان واگذار می‌کند. در زیر، نمونه‌هایی از نشانگرهای نگرش‌نمای به‌کاررفته در پیکره مشاهده می‌شود.

«کجایی؟ من اینجا هستم دم گوش تو و تلاش کرد بهتر حرف بزند» (همان،
۱۳۸۲: ۱۲).

«ناگهان چشم دخترک بر تابلو افتاد و دید پرنده‌ای ریز و خاکستری روی
شاخه درخت نقاشی‌اش نشسته» (همان: ۱۰).

در نهایت نتایج حاصل از آزمون غیر پارامتریک کندال تأیید کرد که از نظر آماری، رابطه معنادار مثبتی میان فراوانی فراگفتمان تعاملی و زمان ($p < 0.01$, $\tau = 0.9$) وجود دارد و با گذشت زمان، عناصر فراگفتمان تعاملی نیز افزایش یافته‌اند.

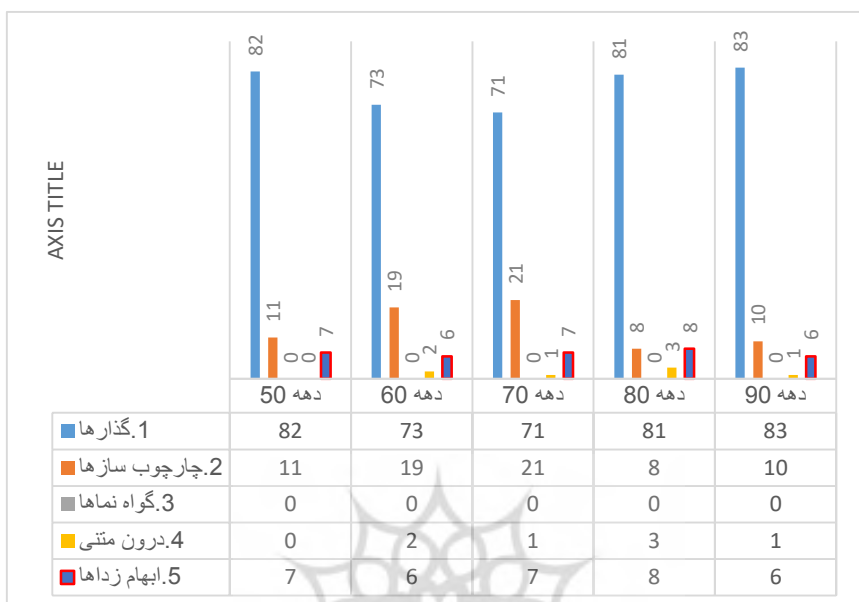
تحلیل الگوی فراگفتمان تقابلی در طول زمان

در این قسمت در قالب جدول (۵) به سنجش فراوانی انواع نشانگرهای تقابلی در پیکره مورد بررسی پرداخته می‌شود.

جدول ۵- فراوانی و درصد نشانگرهای تقابلی در کل پیکره

دهه	فراوانی نشانگرهای تقابلی در هر دهه	تعداد کل واژه‌ها در هر دهه	درصد نشانگرهای تقابلی در هر دهه
دهه ۵۰	۱۵۵۸۴	۱۷۴۳۶۸	۴۸
دهه ۶۰	۲۸۰۷	۴۷۰۱۹	۴۷
دهه ۷۰	۶۴۴۱	۱۰۷۲۹۲	۴۵
دهه ۸۰	۵۹۲۷	۸۴۳۸۱	۴۳
دهه ۹۰	۳۱۷۶	۴۷۰۹۷	۴۱

همان‌طور که از داده‌های به‌دست‌آمده در جدول (۵) مشخص است، با گذشت زمان از فراوانی نشانگرهای تقابلی به‌کاررفته در داستان‌ها کاسته شده است. در حقیقت نویسنده با به‌کار بردن نشانگرهای تقابلی به مدیریت جریان اطلاعات متن و بیان آن به‌منظور راهنمایی خواننده در متن می‌پردازد که طی این پنجاه سال، میزان استفاده از این نشانگرها با گذشت زمان کاهش یافته است. همان‌طور که پیشتر بیان شد، کاهش نشانگرهای تقابلی ناشی از این واقعیت است که در داستان‌ها و ژانر ادبی، برقراری ارتباط مؤثر با مخاطب از طریق به‌کارگیری نشانگرهای تعاملی، از راهنمایی آنها، یعنی به‌کارگیری نشانگرهای تقابلی، مهم‌تر است. در حقیقت در طول زمان از فراوانی نشانگرهای فراگفتمان تقابلی، کاسته و به فراوانی نشانگرهای تعاملی، افزوده می‌شود. نشانگرهای تقابلی دارای زیرشاخه‌های مختلفی است که توزیع فراوانی آنها را در این پنجاه سال در شکل (۲) مشاهده می‌شود.



شکل ۲- نمودار زیرشاخه‌های فراگفتمان تقابلی در بازه زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۴۰۰

یافته‌های آماری نشان می‌دهد که از میان زیرشاخه‌های فراگفتمان تقابلی به کاررفته در پنج دهه، گذارها دارای بیشترین فراوانی و گواه‌نماها و ارجاع‌های درون‌متنی دارای کمترین فراوانی هستند. شایان ذکر است که تقریباً در تمام مطالعات فراگفتمانی، چه در متون گفتاری و چه در متون نوشتاری، مانند چنگیزی و خانی (۱۳۹۵)، سلطانی و همکاران (۱۴۰۰) و کوهی و موجود (۱۳۹۱)، گذارها در میان دیگر نشانه‌های تقابلی، بیشترین بسامد را دارند. این موضوع همچنین درباره تجزیه و تحلیل متون ادبی نیز صدق می‌کند که در آثار آهنگری و کاظمی (۲۰۱۴)، مصطفوی و تجلی (۲۰۱۲) و الجزراوی و الجزراوی^۱ (۲۰۱۹) نیز به چشم می‌خورد و می‌تواند نشان‌دهنده تمایل نویسندگان متون ادبی در استفاده از گذارها برای نگاشتن متنی منسجم‌تر باشد تا خوانندگان پیوندهای بین ایده‌های آنها را راحت‌تر متوجه شوند.

از میان سه دسته عملکرد گذارها (افزودنی، سنجشی و پیامدی)، پرکاربردترین دسته‌بندی به کاررفته در مجموعه داستان‌های مرادی کرمانی مربوط به زیرشاخه

1. Dunya A AlJazrawi, Zeena A. AlJazrawi

افزودنی و از طریق کاربرد حرف ربط «و» می‌شود که برای افزودن عناصری به بحث اصلی به کار گرفته شده‌اند. دسته‌بندی سنجشی و پیامدی به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند که در زیر نمونه‌هایی از این نشانگرها آورده شده است.

«من هم که کتاب‌فروش نیستم. این کتاب مال اینه که آدمیزاد صفحه‌هاش

را یکی یکی بکنه و توشم تنباکو و نخود و لوبیا و پنیر و زردچوبه بیچه،

بده دست مشتری. حالا خوب حالت شد؟» (مرادی کرمانی، ۱۳۵۸: ۱۳).

«ما هم تخم‌مرغ آورده بودیم اما تویراه افتاد و شکست» (همان، ۱۳۶۸: ۴۳).

«باز هم که نتوانستی بده من؛ بنابراین، مادر باز در شیشه را زیر شیر سماور

گرفت» (همان، ۱۳۷۷: ۴۵).

همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کم‌بسامدترین نشانه‌های تقابلی به‌کاررفته در پیکره، گواه‌نماها و ارجاع‌های درون‌متنی هستند. ارجاع‌های درون‌متنی، خواننده را به بخش‌های دیگر متن ارجاع می‌دهد و با برقراری ارتباط میان گزاره‌ها، توانایی پردازش و پذیرش مطالب مورد بحث را برای مخاطب راحت‌تر می‌کند. گواه‌نماها، منبع و مأخذ اطلاعات متنی را که خارج از متن برگرفته شده، در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. در متون علمی، این نشانه‌ها برای حمایت از استدلال‌های آورده‌شده در متن و از طریق ارجاع‌دهی به ادبیات مربوطه عمل می‌کنند (ر.ک: Hyland, 2005). نویسندگان در مجله‌های معتبر برای ایجاد متونی متقاعدکننده‌تر از میزان بالای ارجاع‌دهی بهره می‌گیرند. در نتیجه بدیهی است که ارجاع‌های درون‌متنی و گواه‌نماها از ویژگی‌های متون علمی و دیگر ژانرها باشند و نه متون ادبی. از این‌رو بسامد این نشانگرها در مجموعه داستان‌ها بسیار کم است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بسامد گواه‌نماها در بازه زمانی مورد نظر تقریباً صفر بوده است. نمونه‌ای از ارجاع‌های درون‌متنی و گواه‌نماهای به‌کاررفته در داستان‌ها در زیر آورده شده است.

«پیش از همه لیلو حرف زد: شماها خجالت نمی‌کشین این آدم ساده و

بی‌آزاره اذیت می‌کنین؟» (ارجاع درون‌متنی) (همان، ۱۳۵۹: ۱۷).

«همینه دیگه به قول مردم: گدا خری خریده» (گواه‌نما) (همان: ۱۱).

در نهایت نتایج به‌دست‌آمده از به‌کارگیری آزمون غیر پارامتریک کندال بیانگر رابطه منفی آماری معنادار میان فراوانی فراگفتمان تقابلی و زمان ($r = -0.9$ ، $p < 0.01$) است. آماره منفی به‌دست‌آمده از این آزمون، تأییدکننده این حقیقت است که با گذشت زمان، عناصر فراگفتمان تقابلی کاهش یافته‌اند.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، پیکره‌ای شامل تمام آثار نگاشته‌شده هوشنگ مرادی کرمانی در بازه زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۴۰۰ در حوزه ادبیات کودک و نوجوان و در قالب رمان و مجموعه داستان بر اساس انگاره هایلند (۲۰۰۵) واکاوی شد. استخراج و شمارش داده‌ها بیانگر آن است که هوشنگ مرادی کرمانی در تمامی آثار خود از انواع نشانگرهای فراگفتمان تعاملی و تقابلی برای برقراری ارتباط مناسب با مخاطب کم‌سن و سال خود و جلب مشارکت وی و همچنین ایجاد متنی منسجم و قانع‌کننده برای درک راحت‌تر خواننده به‌خوبی بهره برده است.

همچنین یافته‌های تحقیق حاضر مؤید این واقعیت است که استفاده کلی از نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در طول زمان افزایش یافته، در حالی که بسامد نشانگرهای فراگفتمان تقابلی رو به کاهش بوده است. در میان انواع نشانگرهای فراگفتمان تعاملی به‌کاررفته در کل پیکره، خوداظهارها و درگیرسازها، بیشترین درصد فراوانی و نگرش‌نماها، کمترین بسامد را داشتند. با در نظر گرفتن این یافته‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که نویسندگان داستان در نگارش رمان‌ها و مجموعه داستان‌ها، تمایل بیشتری به دخیل کردن مخاطبان خود و همچنین پررنگ‌تر کردن حضور خود در گفتمان به‌منظور تأکید بر رابطه خود و مخاطبان دارند.

شایان ذکر است که این نتایج با یافته‌های مطالعات تاریخی قبلی (گیلرتس، ۲۰۱۴؛ گیلرتس و ون دو ولده، ۲۰۱۰ و هایلند و جیانگ، ۲۰۱۸) که روی گفتمان علمی انجام شده، مغایرت دارد. دلیل این مغایرت را می‌توان به ژانر متون به‌کاررفته در این پژوهش‌ها نسبت داد. گفتمان علمی و نوشتار دانشگاهی در حال حرکت به سمت کاربرد کمتر فراگفتمان تعاملی و افزایش فراگفتمان تقابلی و در نتیجه حرکت به سمت عینی‌تر، غیر

شخصی‌تر، علمی‌تر شدن و همچنین کمتر خواننده‌محور شدن هستند؛ در حالی که در متون ادبی، با گذشت زمان داستان‌نویسان بیشتر از نشانگرهای تعاملی استفاده می‌کنند. آنها در حقیقت برای بیان نگرش، نظرها و تعهد خود نسبت به متون و همچنین درگیری‌سازی بیشتر مخاطبان در متن و برقراری ارتباط مؤثر با آنها، بیشتر از نشانگرهای تعاملی بهره می‌برند که این نوع روابط، تأثیر بسزایی بر اقناع خوانندگان و به‌طور قطع جلب توجه آنها دارد. در نتیجه به طور کلی متون ادبی به سمت شخصی‌تر شدن و خواننده‌پسندتر شدن در حرکت هستند.

یافته‌های حاصل از تحقیق حاضر می‌تواند زمینه آگاهی و بصیرت نویسندگان حوزه ادبیات کودک و نوجوان را در امر نوشتن داستان فراهم کند تا با افزایش آگاهی از نشانگرهای فراگفتمانی و آگاهی از تغییرات آنها در طول زمان متناسب با نیاز جامعه، مهارت‌های نوشتاری خود را بهبود بخشند و بتوانند مخاطبان خود را در سراسر متن به‌خوبی راهنمایی کنند و ارتباط مناسبی با آنها برقرار نمایند.

شاید بهتر است که در مطالعات آتی، یافته‌های پژوهش حاضر از نظر فراگفتمان و حیطه‌های مربوط به آن با دیگر نویسندگان ایرانی و خارجی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان که دارای سبک متفاوتی هستند، مقایسه شود. همچنین تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر میزان استفاده از عناصر فراگفتمان مورد مطالعه قرار گیرد. همچنین برای تأیید و تعمیم دادن نتایج و یافته‌های این پژوهش، بهتر است که تحقیقات تاریخی بیشتری روی دیگر آثار نویسندگان صاحب‌نام داخلی و خارجی در ژانر ادبی صورت گیرد و با نتایج پژوهش حاضر مقایسه شود.

منابع

- آقایاری، خسرو (۱۳۷۳) آشنایی با ادبیات کودکان و نوجوانان، تهران، مجیا.
- (۱۳۷۵) آشنایی با ادبیات کودکان و نوجوانان و معیارهای نقد و بررسی کتاب، تهران، سرآمد کاوش.
- خانی، رضا و مهسا چنگیزی (۱۳۹۵) «مقایسه نشانه‌های فراگفتمان در مجلات انگلیسی بین‌المللی و داخلی (مطالعه موردی: مقالات حوزه زبان‌شناسی کاربردی)»، زبان پژوهی (علوم انسانی)، سال هشتم، شماره ۱۸، صص ۷۷-۱۰۲.
- سلطانی، رحمت‌الله و نسرین شکرپور (۱۴۰۰) «وضعیت استفاده از نشانه‌های فراگفتمان در مقالات پزشکی ایران: مطالعه‌ای تطبیقی»، مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران (نامه دانشگاه)، سال سی‌ویکم، شماره ۱۹۶، صص ۹۲-۱۰۰.
- عموزاده خلیلی، فریدون (۱۳۸۱) فرهنگ توصیفی شخصیت‌های داستانی نوجوان، جلد دوم، تهران، آفتابگردان.
- کوهی، داوود و منیژه موجود (۱۳۹۱) «بررسی مقابله‌ای فراگفتمان در بخش سرمقاله روزنامه‌های فارسی و انگلیسی»، مجله آموزش و کاربرد زبان انگلیسی، سال پنجم، شماره ۱۰، صص ۱۳۷-۱۶۲.
- مرآتی، ابوالفضل (۱۳۸۸) بررسی جایگاه هویت ملی و دینی در شعر کودک و نوجوان، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، استاد راهنما: منصور پیرانی، دانشگاه پیام‌نور قزوین.
- مرادی کرمانی، هوشنگ (۱۳۵۸) قصه‌های مجید، تهران، معین.
- (۱۳۵۹) بچه‌های قالی‌باف‌خانه، تهران، معین.
- (۱۳۶۱) نخل، تهران، سحاب.
- (۱۳۶۸) خمره، تهران، معین.
- (۱۳۷۱) مشت بر پوست، تهران، معین.
- (۱۳۷۳) تنور، تهران، معین.
- (۱۳۷۵) مهمان مامان، تهران، نی.
- (۱۳۷۷) مربای شیرین، تهران، معین.
- (۱۳۷۸) لبخند انار، تهران، معین.
- (۱۳۸۲) مثل ماه شب چهارده، تهران، معین.
- (۱۳۸۲) نه تر نه خشک، تهران، معین.
- (۱۳۸۶) پلوخورش، تهران، معین.

----- (۱۳۸۸) نازبالش، تهران، معین.

----- (۱۳۹۱) آبانبار، تهران، معین.

----- (۱۳۹۸) قاشق چایخوری، تهران، معین.

- Abdi, R., Tavangar, M., & Tavakoli, M. (2010) "The cooperative principle in discourse communities and genres: A framework for the use of metadiscourse". *Journal of Pragmatics*, 42, 1669-1679.
- Ahangari, S. & Kazemi, M. (2014) "A Content Analysis of 'Alice in Wonderland' Regarding Metadiscourse Elements". *International Journal of Applied Linguistics and 76 IJALEL* 8 (3):66-77 *English Literature*. 3 (3) 10-18. <https://doi.org/10.7575/aiac.ijalel.v.3n.3p.10>
- Aljazrawi, D.A., & Aljazrawi Z, A (2019) "The use of metadiscourse: an analysis of interactive and interactional markers in English short stories as a type of literary genre". *International journal of applied linguistics and English literature*, 8 (3), 66.
- Anthony, L. (2011) AntConc 4.2.0. <http://www.Laurenceanthony.net/software.html>
- Bagheri, F. (2020) *A Diachronic Study of Metadiscourse in Doctoral Dissertations (Doctoral dissertation, Wuhan University (People's Republic of China))*.
- Deng, L., Fatemeh, B., & Gao, X. (2021) "Exploring the interactive and interactional metadiscourse in doctoral dissertation writing: A diachronic study". *Scientometrics*, 126 (8), 7223-7250.
- Gillaerts, P. (2014) Shifting metadiscourse: Looking for diachrony in the abstract genre. In M. Bondi & R. Lores Sanz (Eds.), *Abstract in academic discourse: Variation and change* (pp. 271-286) Switzerland: Peter Lang.
- Gillaerts, P., & Van de Velde, F. (2010) "Interactional metadiscourse in research article abstracts". *Journal of English for Academic Purposes*, 9 (2), 128-139.
- Harris, Z. (1959) The transformational Model of language structure. *Anthropological Linguistics*. 1:1.27-29.
- Hyland, K. (2004) *Disciplinary discourses: Social interactions in academic writing*. Ann Arbor, MI: University of Michigan Press.
- (2005) *Metadiscourse: Exploring writing in interaction*. London: Continuum.
- (2005b). *stance and engagement : A MODEL OF interaction in academic discourse .discourse studies* ,7 (2) ,173-192.
- (2015) *Metadiscourse*. In Tracy, K. (ed) *International Encyclopedia of Language and Social interaction*. Oxford: Wiley-Blackwell.
- Hyland, K., & Jiang, F. (2016) Change of attitude? A diachronic study of stance. *Written Communication*, 33 (3), 251-274.
- (2018) "In this paper we suggest": Changing patterns of disciplinary metadiscourse. *English for Specific Purposes*, 51, 18-30.
- Hyland, K., & Tse, P. (2004) *Metadiscourse in academic writing: A reappraisal*.

Applied Linguistics, 25 (2), 156-177.

Liu, G., & Yang, Y. (2021, May) A Diachronic Study of Multi-Disciplinary Metadiscourse in Research Articles. In 2021 the 6th International Conference on Distance Education and Learning (pp. 121-132).

Mostafavi, M. & Tajalli, G. (2012) Metadiscoursal Markers in Medical and Literary Texts. International Journal of English Linguistics. 2 (3) 64.

Rezaei Keramati, S., Kuhi, D., & Saeidi, M. (2019) Cross-sectional diachronic corpus analysis of stance and engagement markers in three leading journals of applied linguistics. Journal of Modern Research in English Language Studies, 6 (2), 1-25.

